آینده مربیگری امیر در خطر است

هراس از تکمیل پازل ناکامی‌ها در جام ملت‌ها

محمد قراگزلو
خبرنگار

امیر قلعه‌نویی سرمربی تیم ملی در جام ملت‌های آسیا خواهد بود و دوران سرمربیگری او به بیش از چهارسال خواهد رسید. قلعه‌نویی خیلی دوست داشت که حضور در جام جهانی را تجربه کند و با حمایت مدیران فدراسیون و شرایط پیچیده کشور به این آرزوی خود دست یافت. او همواره تصور می‌کرد بعد از ناکامی در جام ملت‌های آسیای ۲۰۰۷ و آنچه در بازی یک چهارم نهایی مقابل کره جنوبی در ضربات پنالتی اتفاق افتاد نمی توان پسوند «ناکام» را به او سنجاق کرد و فرصت عرض اندام به او داده نشده است. قلعه‌نویی شکست در آن مرحله از جام ملت‌های اسیای ۲۰۰۷ را طبیعی می‌دانست اما رفتار رسانه‌ها و منتقدان بعد از آن باخت را همواره زیر سؤال می‌برد تا اینکه دوباره به سرمربیگری تیم ملی رسید.

بعد از آن و در دوره دوم مربیگری تیم ملی، قلعه‌نویی یک جام ملت‌ها را پشت سر گذاشت که یک دستاورد اولیه برایش داشت؛ شکست ژاپن با فوتبالی قابل دفاع اما آخر قصه آن جام هم چیزی جز ناکامی نبود. باخت به قطر در نیمه‌نهایی باعث شد تا دوباره او در موضع ضعف قرار بگیرد اما سر پا ایستاد تا دوباره در جام جهانی عرض اندام کند. در واقع قلعه‌نویی به جام جهانی به عنوان فرصت بسیار بزرگی برای اثبات توانایی‌های فنی‌اش نگاه می‌کرد اما اینجا هم خوش‌شانس نبود. پنالتی سوخته و گل‌های مردود اعلام شده به علاوه رقم خوردن سه نتیجه همزمان علیه صعود تیم ملی، همه بدشانسی‌هایی بود که نصیبش شد تا حتی با وجود ثبت نامش به عنوان تنها مربی ایرانی شکست ناپذیر در جام جهانی باز هم در رسیدن به هدف نهایی ناکام بماند.

امروز باید پذیرفت حتی اگر امیر قلعه‌نویی در هر سه تورنمنتی که سرمربی تیم ملی بوده بدشانسی آورده اما یک مربی ناکام به حساب می‌آید چرا که در رسیدن به اهدافی که برای خودش ترسیم کرده و انتظار می‌رفت محقق کند عاجز مانده است. تیم ملی ایران دو بار با قلعه‌نویی در جام ملت‌های آسیا حذف شد و یک بار در جام جهانی ۴۸ تیمی از گروهش صعود نکرد. حالا هر چقدر که درباره عوامل و دست‌اندازهای مسیر او در این سه تورنمنت یا حتی بدشانسی‌ها حرف بزنیم در اصل قضیه تغییری ایجاد نخواهد کرد.

واقعیت تلخ است و حتی دوستداران امیر قلعه‌نویی هم باید بپذیرند که او در تیم ملی یک مربی ناکام به حساب می‌آید چرا که از حیث کسب نتیجه (قهرمانی در آسیا و صعود از مرحله گروهی جام جهانی) و ساختن نسل در تیم ملی دستاوردی نداشته است. این در مورد هر مربی چه ایرانی چه خارجی و چه نامدار و چه غیر مشهور هم مصداق دارد و بزرگترین مربیان دنیا هم با شدیدترین انتقادها مواجه و راحت برکنار می‌شوند.

امروز که چهار سال و چهار ماه از حضور امیر قلعه‌نویی می‌گذرد خیلی سخت بتوان نقاط پررنگی از کارنامه کاری او در تیم ملی پیدا کرد و حتی اگر در یک سال اخیر جنگ و مشکلات سیاسی عرصه را بر او و تیم ملی تنگ کرده باشد در سه سال قبل از آن هم که شرایط مهیا بوده او و گروه فنی‌اش اتفاق ویژه‌ای در تیم ملی رقم نزدند که مجاب‌مان کند ابقای قلعه‌نویی می‌تواند برای موفقیت در جام ملت‌های آسیا امیدوارکننده باشد.

فارغ از آنچه منتقدان و کارشناسان در این باره چه می‌گویند و چه نکاتی را مطرح می‌کنند، رئیس فدراسیون فوتبال با در نظر گرفتن نکاتی که طی روزهای اخیر و حتی در جلسه با وزیر مطرح کرده اعتقاد دارد قلعه‌نویی باید بماند و در جام ملت‌های آسیای تیم ملی ایران را رهبری کند. با این حساب قلعه‌نویی از فیفادی آینده که کمتر از دو ماه بعد خواهد بود حرکت خود برای موفقیت در جام ملت‌های آسیا را آغاز خواهد کرد اما دو نکته از همین حالا واضح و مشخص است و همین‌ها کار سرمربی تیم ملی را بسیار دشوارتر از جام جهانی خواهد کرد.

قلعه‌نویی امروز متهم است که در تیم ملی نسل‌سازی نکرده و پیرترین تیم فوتبال ایران را به جام جهانی برده و میدان داده است که حتماً خودش توجیهاتی برای این اقدامش دارد. او همچنین به نتیجه مورد نظر که همان صعود از مرحله گروهی است دست نیافته و هر چقدر بخواهیم نباختن تیم او را بزرگ و یک دستاورد فنی قلمداد کنیم اصل قضیه که همان ناکامی است تغییری نخواهد کرد. با در نظر گرفتن این شرایط امیر قلعه‌نویی امروز محکوم به قهرمانی در جام ملت‌های آسیاست و حتی رسیدن به نیمه‌نهایی نیز برای او موفقیت نسبی محسوب نخواهد شد.

از سوی دیگر او محکوم به تغییر نسل در تیم ملی است و حتی اگر با توجیهات خاص خود یا کمبود زمان فرصت پوست‌اندازی و جوان‌سازی نداشته باشد یا این اقدام شجاعانه را ریسک بداند و به آن تن ندهد فقطی و فقط کار خودش را سخت کرده است چرا که قهرمان نشدن با یک تیم پیر در آسیا شکستی بزرگتر و دردناک‌تر برای او و فوتبال ایران خواهد بود و قطعاً میزان انتقادها بیشتر و شدیدتر از آن چیزی است که طی روزهای اخیر اتفاق افتاد.

کمتر از شش ماه دیگر تا شروع جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ باقی مانده و چنانچه قلعه‌نویی در تفکرات خود، چه در خصوص مسائل فنی شامل انتخاب بازیکن، کادر فنی، اطرافیان تیم ملی و... تجدید نظر نکند فقط کار خودش را دشوارتر کرده چرا که در صورت تداوم ناکامی‌هایش، حتی آینده مربیگری‌اش در فوتبال ایران را به خطر خواهد انداخت.

قهرمانی جام ملت‌ها، فوتبال ایران را نجات نمی‌دهد

نسل سازی، مهم‌ترین مأموریت قلعه‌نویی

حمیدرضا عرب
خبرنگار

تیم ملی فوتبال ایران در این برهه که شاید همه نگاه‌ها به موفقیت در جام ملت‌های آتی دوخته شده باشد، به نسل‌سازی نیازمند است. مأموریت و راهبردی که شاید در نگاه اول با انتظار عمومی برای قهرمانی همسو نباشد، اما در بلندمدت می‌تواند فوتبال ایران را به جایگاه واقعی خود برساند.

اگر امیر قلعه‌نویی تنها با هدف قهرمانی در جام ملت‌های آسیا تیمش را آماده کند، ممکن است تمام برنامه‌ریزی‌های او بر هم بریزد. یعنی هم جام قهرمانی را از دست بدهد که احتمالش کم نیست و هم فرصتی برای ساختن یک میراث برای آینده.

بدون شک قهرمانی در جام ملت‌های آسیا حتی در صورت تحقق نیز تضمینی برای آینده فوتبال ایران نخواهد بود. آنچه امروز فوتبال ایران بیش از هر چیز به آن احتیاج دارد، ساختن تیمی است که چهار سال بعد در جام جهانی بتواند عملکردی متفاوت از دوره‌های گذشته ارائه دهد.

واقعیت این است که دیگر صرف صعود به جام جهانی مهم نیست. با افزایش سهمیه آسیا و احتمال گسترش جام جهانی به ۶۴ تیم در دوره‌های آینده، رسیدن به این مسابقات دیگر دشوارترین مأموریت فوتبال ایران نخواهد بود.

چالش اصلی از لحظه حضور در جام جهانی آغاز می‌شود. نقطه‌ای که تیم ملی باید نشان دهد توان رقابت با قدرت‌های فوتبال جهان را دارد و می‌تواند از مرحله گروهی عبورکند و مهم‌تر اینکه نمایشی جسورانه از خود به‌جا بگذارد.

در عین حال جام جهانی اخیر نیز بار دیگر نشان داد که رتبه جهانی یا همان رنکینگ، تضمین‌کننده موفقیت نیست. تیم‌هایی مانند مراکش و نروژ که پیش از مسابقات در جایگاهی نزدیک به ایران قرار داشتند، نمایش‌هایی قابل قبول ارائه دادند و مسیر متفاوتی را طی کردند. حتی مصر که در سید پایین‌تری نسبت به ایران قرار داشت، عملکرد بهتری در مسابقات داشت و توانست از مرحله گروهی صعود کند در حالی که ایران، با وجود قرار گرفتن در سید دوم، نتوانست از گروه بالا برود.

این تفاوت نشان می‌دهد که موفقیت در تورنمنت‌های بزرگ بیش از آنکه به جایگاه در رنکینگ فیفا وابسته باشد، به شخصیت تیمی، آمادگی ذهنی و فرهنگ رقابت در مسابقات بزرگ بستگی دارد.

نمونه آشکار فقدان چنین روحیه‌ای در بازیکنان تیم ملی نتیجه دیدار برابر نیوزیلند بود. مسابقه‌ای که ایران نتوانست سه امتیاز کامل آن را کسب کند.

شاید بتوان گفت نیوزیلند بعدها برابر تیم‌هایی مانند بلژیک و مصر نیز نتایج قابل قبولی گرفت، اما برای تیمی که سودای حضور قدرتمند در جام جهانی را دارد، ناتوانی در شکست چنین حریفی زنگ هشداری جدی است.

این نتیجه بیش از آنکه یک ضعف فنی را نشان دهد، از کمبود روحیه پیروزی‌خواهی و ذهنیت برنده در تیم ملی حکایت دارد.

در تیم‌های بزرگ بازیکنانی وجود دارند که از نظر ذهنی برای بردن برنامه‌ریزی شده‌اند و در دشوارترین شرایط نیز شخصیت رقابتی خود را حفظ می‌کنند. این بخش از مسئولیت شخصیت‌سازی مستقیماً به کادر فنی بازمی گردد.

امیر قلعه‌نویی و همکارانش باید بتوانند بازیکنان را از نظر ذهنی برای حضور در تورنمنت‌های بزرگ آماده کنند. کاری که شاید حتی از تمرینات تاکتیکی نیز مهم‌تر باشد.

البته یک واقعیت دیگر نیز وجود دارد. بخش قابل توجهی از بازیکنان فعلی تیم ملی سال‌هاست در بالاترین سطح فوتبال ایران و آسیا حضور دارند. آنها تجربه فراوانی کسب کرده‌اند، اما همین تجربه گاهی باعث می‌شود تغییر نگرش یا ایجاد انگیزه‌های تازه در وجود آنها دشوارتر شود.

بازیکنان باتجربه معمولاً استقلال بیشتری در تصمیم‌گیری دارند و میزان تأثیرپذیری آنها از فرامین کادر فنی نسبت به بازیکنان جوان کمتر است. به همین دلیل، ایجاد تحول در تیم ملی با همین ترکیب شاید بسیار سخت‌تر از آن چیزی باشد که تصور می‌شود.

از همین رو، شاید مهم‌ترین مأموریت قلعه‌نویی نه قهرمانی در جام ملت‌های آسیا، بلکه آغاز یک نسل‌سازی واقعی باشد.

فوتبال ایران به خونی تازه نیاز دارد. بازیکنانی که با انگیزه، عطش موفقیت و ذهنیتی متفاوت وارد تیم ملی شوند و بتوانند طی چهار سال آینده به ستون‌های اصلی تیم تبدیل شوند.

چنین نگاهی، هرچند ممکن است در کوتاه‌مدت با فراز و نشیب همراه باشد، اما در بلندمدت سرمایه‌ای ارزشمند برای فوتبال ایران به همراه خواهد آورد.

البته کارنامه سال‌های اخیر امیر قلعه‌نویی این امید را چندان پررنگ نمی‌کند.

او در یک دهه گذشته بیش از آنکه به عنوان مربی‌ای شناخته شود که نسل جدیدی را معرفی می‌کند، به استفاده از بازیکنان باتجربه و کم‌ریسک گرایش داشته است.

این محافظه‌کاری شاید در لیگ نتیجه‌بخش باشد، اما در فوتبال ملی که افق آن چهار یا حتی هشت سال آینده است، نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فوتبال ایران باشد.

جام ملت‌های آسیا، به‌ویژه با میزبانی عربستان، یکی از سخت‌ترین دوره‌های این رقابت‌ها خواهد بود. بسیاری از تیم‌های آسیایی پس از حضور در جام جهانی تجربه بیشتری کسب کرده‌اند و فاصله فنی آنها با مدعیان سنتی کمتر شده است.

در چنین شرایطی تصور قهرمانی ایران بدون ایجاد تحول اساسی خوشبینانه است.

شاید بهترین میراثی که امیر قلعه‌نویی بتواند از خود در تیم ملی بر جای بگذارد، نه یک جام، بلکه ساختن تیمی باشد که چهار سال بعد و حتی بیشتر با شخصیت، جسارت و کیفیتی بالاتر در جام جهانی حاضر شود.

فوتبال ایران به خونی تازه نیاز دارد و بی‌تعارف قهرمانی در جام ملت‌های آسیا نیز فوتبال ایران را نجات نخواهد داد. فوتبالی که به زودی بازیکنانی همچون طارمی، قدوس، محمدی، خلیل‌زاده، کنعانی‌زادگان، رضاییان، بیرانوند عزت‌اللهی و... باید کفش‌های‌شان را بیاویزند. حال اینکه زودتر از اینها قطعاً جهانبخش، حاجی‌صفی و این قبیل بازیکنان باید خداحافظی خود را اعلام کنند اما دیگر افراد نیز عمر فوتبالی آنچنانی نخواهند داشت و نساختن نسلی برای بعد از این اسامی فوتبال ایران را دچار چالشی عمیق خواهد کرد.

ابهام تازه بعد از توضیحات رئیس فدراسیون فوتبال

اگر مکزیک راه‌حل بود، چرا دیر به آن رسیدیم؟

نشست بررسی عملکرد فدراسیون فوتبال در جام جهانی ۲۰۲۶ که با حضور وزیر ورزش و جوانان، مدیران فدراسیون فوتبال و برخی از مدیران ورزش کشور برگزار شد یک نکته مهم داشت؛ جمله‌ای از مهدی تاج که شاید مهم‌ترین نکته این جلسه بود. مهدی تاج در این نشست اعلام کرد اگر از ابتدا محل استقرار تیم ملی در مکزیک مشخص می‌شد، ایران می‌توانست حدود ۱۰ روز زودتر راهی این کشور شود و با اختلاف ساعت، شرایط آب‌وهوایی و فضای منطقه سازگار شود؛ موضوعی که به اعتقاد او می‌توانست بخشی از مشکلات آماده‌سازی تیم ملی را کاهش دهد.

همین جمله اما یک سؤال مهم را به وجود می‌آورد؛ اگر مکزیک بهترین راه‌حل برای آماده‌سازی تیم ملی بود، چرا این تصمیم از ماه‌ها قبل گرفته نشد؟ البته فدراسیون برای برگزاری مسابقاتش در مکزیک تلاش کرد اما هیچ وقت به برپایی کمپ اصلی در مکزیک فکر نکرده بود.

از همان روزی که قرعه جام جهانی مشخص شد و قرار شد ایران در آمریکای شمالی به میدان برود، مشخص بود که موضوع ورود به آمریکا می‌تواند به یکی از چالش‌های اصلی تیم ملی تبدیل شود. روابط سیاسی ایران و آمریکا، سختگیری‌های احتمالی در صدور مجوزهای ورود و پیچیدگی‌های اداری، موضوع تازه‌ای نبود که تنها چند هفته مانده به مسابقات آشکار شود. به همین دلیل انتظار می‌رفت فدراسیون فوتبال از همان ابتدا علاوه بر برنامه اصلی، چند سناریوی جایگزین را نیز روی میز داشته باشد.

یکی از این سناریوها می‌توانست استقرار زودهنگام در مکزیک باشد؛ کشوری که هم از نظر جغرافیایی به محل برگزاری مسابقات نزدیک بود و هم می‌توانست فرصت ارزشمندی برای تطبیق بازیکنان با اختلاف ساعت و شرایط اقلیمی فراهم کند. اگر امروز مسئولان فدراسیون معتقدند حضور ۱۰ روز زودتر در مکزیک می‌توانست به تیم ملی کمک کند، طبیعی است این پرسش مطرح شود که چرا مقدمات اجرای این طرح از ماه‌ها قبل فراهم نشد؟

یکی دیگر از ابهام‌ها به موضوع ویزای مکزیک بازمی‌گردد. اگر احتمال استقرار در این کشور وجود داشت، آیا امکان آغاز زودتر فرایند دریافت ویزا، رزرو محل اقامت و هماهنگی‌های اجرایی وجود نداشت؟

در فوتبال حرفه‌ای امروز، تیم‌های ملی برای تورنمنت‌های بزرگ معمولاً چندین سناریو را همزمان پیش می‌برند تا اگر یکی از مسیرها به هر دلیل با مشکل مواجه شد، برنامه جایگزین بدون اتلاف زمان اجرا شود. سؤال اینجاست که آیا چنین برنامه‌ای برای تیم ملی ایران هم وجود داشت یا تصمیم به حضور در مکزیک زمانی جدی شد که دیگر فرصت کافی از دست رفته بود؟

موضوع فقط مکزیک نیست؛ بلکه اصل «برنامه جایگزین» است. در مدیریت حرفه‌ای، به‌ویژه در رویدادی مانند جام جهانی، داشتن پلن B و حتی پلن C یک ضرورت محسوب می‌شود. وقتی احتمال بروز موانع سیاسی یا اجرایی وجود دارد، مدیران باید از قبل برای آن آماده باشند، نه اینکه پس از بروز مشکل به دنبال راه‌حل بگردند. اگر فدراسیون از همان ابتدا احتمال سخت شدن روند ورود به آمریکا را در نظر گرفته بود، شاید بخشی از دغدغه‌های روزهای منتهی به جام جهانی هرگز به وجود نمی‌آمد.

البته این پرسش‌ها به معنای نادیده گرفتن دشواری‌های موجود نیست. برگزاری جام جهانی در سه کشور، پیچیدگی‌های لجستیکی خاص خود را داشت و بسیاری از تیم‌ها نیز با چالش‌های مشابه روبه‌رو بودند. اما تفاوت تیم‌های موفق با سایرین، در میزان آمادگی آنها برای مواجهه با بحران‌هاست. هرچه برنامه‌ریزی دقیق‌تر باشد، تأثیر اتفاقات غیرمنتظره نیز کمتر خواهد بود.

نکته مثبت جلسه اخیر وزارت ورزش، پذیرش این واقعیت بود که در فرایند آماده‌سازی تیم ملی، نقاط قابل اصلاح وجود داشته است. آسیب‌شناسی صادقانه، اولین گام برای پیشرفت است؛ اما گام مهم‌تر، تبدیل این آسیب‌شناسی به یک دستورالعمل عملی است. اگر امروز همه به این نتیجه رسیده‌اند که اردوی زودهنگام در مکزیک می‌توانست به سود تیم ملی باشد، باید این تجربه به یک درس مدیریتی تبدیل شود؛ درسی که اجازه ندهد در جام ملت‌های آسیا یا حتی جام جهانی بعدی، دوباره فرصت‌های ارزشمند به دلیل نبود برنامه جایگزین از دست برود.

شاید دیگر نتوان نتیجه جام جهانی ۲۰۲۶ را تغییر داد، اما می‌توان از آن درس گرفت. مهم‌ترین درس هم شاید همین باشد؛ در فوتبال حرفه‌ای، موفقیت فقط به کیفیت بازیکنان و تصمیم‌های فنی وابسته نیست. گاهی یک تصمیم مدیریتی که چند ماه زودتر گرفته می‌شود، می‌تواند به اندازه یک گل سرنوشت یک تیم را تغییر دهد.

روایت

۱۰ تصمیم سرنوشت‌ساز امیر در دو ماه آینده

از جوانگرایی تا تعیین هدف نهایی

جام جهانی ۲۰۲۶ با همه تلخی‌ها و شیرینی‌هایش به پایان رسید، اما برای تیم ملی ایران این پایان، در واقع آغاز یک مسیر تازه است. شاگردان امیر قلعه‌نویی برابر نیوزیلند، بلژیک و مصر شکست نخوردند، اما سه مساوی برای صعود کافی نبود تا ایران با وجود ارائه نمایش‌هایی قابل قبول، از دور مسابقات کنار برود. حالا کمتر از دو ماه تا آغاز برنامه‌های آماده‌سازی جدی برای جام ملت‌های آسیا باقی مانده و کادر فنی باید چند تصمیم مهم و سرنوشت‌ساز بگیرد؛ تصمیم‌هایی که می‌تواند شانس ایران برای پایان دادن به حسرت چند دهه‌ای قهرمانی آسیا را افزایش دهد.

۱-آغاز واقعی جوانگرایی: جام جهانی نشان داد تیم ملی همچنان به تجربه بازیکنان باسابقه نیاز دارد، اما همزمان ثابت کرد که زمان اعتماد بیشتر به نسل جدید هم فرا رسیده است. فیفادی‌های پیش رو بهترین فرصت برای دادن دقایق بیشتر به بازیکنان جوان است تا بدون فشار مسابقات رسمی، خودشان را نشان دهند. اگر این روند از امروز آغاز نشود، کادر فنی در جام ملت‌ها دوباره ناچار خواهد شد تنها به نفرات باتجربه تکیه کند.

۲-تعیین تکلیف خط دفاع: خط دفاع ایران در جام جهانی عملکرد نسبتاً قابل قبولی داشت، اما افزایش سن برخی مدافعان اصلی موضوعی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت. جام ملت‌ها مسابقاتی فشرده است و مصدومیت یا محرومیت می‌تواند معادلات را بر هم بزند. بنابراین قلعه‌نویی باید از حالا جانشینان آماده‌ای برای مدافعان اصلی در نظر بگیرد تا در صورت نیاز، تیم ملی بدون افت کیفیت به کارش ادامه دهد.

۳-ایجاد رقابت درون دروازه: علیرضا بیرانوند همچنان شماره یک تیم ملی محسوب می‌شود، اما هیچ پستی نباید بدون رقابت باشد. حضور چند دروازه‌بان آماده در اردوها باعث می‌شود سطح تمرینات بالاتر برود و دروازه‌بان اول نیز انگیزه بیشتری برای حفظ جایگاهش داشته باشد. تجربه تیم‌های موفق نشان داده رقابت سالم، یکی از عوامل مهم موفقیت در تورنمنت‌های بزرگ است.

۴-پیدا کردن جانشین برای مهره‌های کلیدی: تیم ملی در چند پست به بازیکنان خاصی وابسته است. اگر یکی از این مهره‌ها به هر دلیل مصدوم یا محروم شود، نباید ساختار تیم دچار مشکل شود. کادر فنی باید از همین حالا برای هر پست دست‌کم یک جانشین آماده داشته باشد؛ بازیکنی که در بازی‌های دوستانه فرصت کافی برای هماهنگی با ترکیب اصلی را به دست آورده باشد.

۵-تعیین تکلیف خط حمله: مهدی طارمی همچنان مهم‌ترین مهره هجومی ایران است، اما سؤال اصلی این است که بهترین شریک او چه کسی خواهد بود. آیا تیم ملی با دو مهاجم بازی می‌کند یا تنها یک مهاجم نوک خواهد داشت؟ پاسخ این سؤال باید در مسابقات تدارکاتی مشخص شود. هرچه هماهنگی مهاجمان بیشتر باشد، قدرت گلزنی تیم نیز افزایش خواهد یافت.

۶-انتخاب سیستم ثابت: یکی از مهم‌ترین وظایف کادر فنی، رسیدن به یک هویت تاکتیکی مشخص است. تغییر مداوم سیستم شاید در برخی مسابقات مفید باشد، اما در تورنمنتی مانند جام ملت‌ها، بازیکنان باید کاملاً بدانند وظیفه‌شان چیست. اگر تیم ملی با یک آرایش مشخص به ثبات برسد، هماهنگی خطوط مختلف نیز بیشتر خواهد شد و بازیکنان با اعتماد به نفس بالاتری وارد زمین می‌شوند.

۷-انتخاب حریفان تدارکاتی مناسب: شاید مهم‌ترین تصمیم خارج از زمین، انتخاب مسابقات دوستانه باشد. بازی با تیم‌هایی که سبک‌های مختلفی دارند، می‌تواند نقاط ضعف تیم ملی را آشکار کند. رویارویی با تیم‌های صرفاً ضعیف شاید نتیجه خوبی به همراه داشته باشد، اما کمکی به آماده شدن برای جام ملت‌ها نمی‌کند. ایران به بازی‌هایی نیاز دارد که کادر فنی را با چالش‌های واقعی روبه‌رو کند.

۸-ملاک دعوت؛ آمادگی یا سابقه: جام جهانی نشان داد هیچ بازیکنی نباید جایگاه تضمین‌شده‌ای در تیم ملی داشته باشد. عملکرد بازیکنان در باشگاه‌هایشان باید مهم‌ترین معیار دعوت باشد. اگر بازیکنان احساس کنند تنها با عملکرد خوب می‌توانند پیراهن تیم ملی را حفظ کنند، کیفیت رقابت در اردوها نیز افزایش پیدا خواهد کرد و این موضوع به سود تیم خواهد بود.

۹-ساختن نیمکتی تأثیرگذار: در فوتبال امروز، تیم‌هایی موفق هستند که تنها به ۱۱ بازیکن اصلی متکی نباشند. بازیکنان تعویضی باید بتوانند روند مسابقه را تغییر دهند؛ چه با حفظ نتیجه و چه با افزایش فشار هجومی. قلعه‌نویی باید در اردوهای آینده به نفرات نیمکت نیز همان اندازه اهمیت بدهد که به ترکیب اصلی می‌دهد تا در روزهای سخت، ابزار لازم برای تغییر جریان بازی را در اختیار داشته باشد.

۱۰-مشخص کردن هدف نهایی: هدف تیم ملی در جام ملت‌ها باید از همین امروز مشخص باشد. آیا صرفاً رسیدن به مراحل پایانی موفقیت محسوب می‌شود یا تنها قهرمانی می‌تواند رضایت افکار عمومی را جلب کند؟ وقتی هدف از ابتدا روشن باشد، برنامه‌ریزی، انتخاب نفرات و حتی سبک بازی نیز بر همان اساس شکل می‌گیرد. بعد از تجربه ارزشمند جام جهانی، انتظار از تیم ملی ایران چیزی کمتر از رقابت جدی برای فتح جام نیست.

جام جهانی ۲۰۲۶ نقاط قوت و ضعف تیم ملی را به خوبی نمایان کرد. حالا زمان تصمیم‌گیری است؛ تصمیم‌هایی که شاید در ظاهر کوچک به نظر برسند، اما می‌توانند سرنوشت تیم ملی را در مهم‌ترین تورنمنت قاره تغییر دهند. اگر امیر قلعه‌نویی و همکارانش از فرصت دو ماه آینده بهترین استفاده را ببرند، ایران می‌تواند با تیمی کامل‌تر، آماده‌تر و هماهنگ‌تر راهی جام ملت‌های آسیا شود؛ تیمی که نه فقط برای حضور آبرومندانه، بلکه برای شکستن طلسم قهرمان نشدن پا به میدان بگذارد.